

### لطف های نهفته در عید فطر (3)

<?xml encoding="UTF-8">

#### پرهیز از کارهای لغو و بیهوده در روز عید فطر

از نگاه قرآنی، یکی از ویژگی های مؤمنان، پرهیز از کارهای لغو و بیهوده است. خداوند درباره مؤمنان می فرماید: «والذین هم عن اللغو معرضون؛ و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند.» (مؤمنون: 3) همچنین می فرماید: «واذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه؛ هر گاه سخن لغو و بیهوده ای بشنوند، از آن روی می گردانند.» (قصص: 55)

«مقصود از کارهای لغو، همان گونه که بعضی از مفسران بزرگ گفته اند، هر گفتار و عملی است که فایده قابل ملاحظه ای نداشته باشد. و از آنجا که همه حرکات و خطوط زندگی مؤمنان، هدفی مفید و سازنده را دنبال می کند، به همین دلیل، آنها از کارهای لغوی که بی هدف و بدون نتیجه است دوری می کنند. گفتنی است که کارهای لغو، تنها شامل سخنان و افعال بیهوده نمی شود، بلکه افکار بیهوده و بی پایه ای که انسان را از یاد خدا غافل و از اندیشه در آنچه مفید و سازنده است باز می دارد، همه در دایره «لغو» قرار می گیرند.» (1)

دوری از کارهای بیهوده در زمان های ویژه و مهم، چون روز عید فطر، اهمیت بیشتری می یابد. بندگان مؤمن و صالح خداوند، در طول سال از این کارها پرهیز می کنند و در روزهایی چون عید سعید فطر، مراقبت و کوشش بیشتری در این باره خواهند داشت. امام حسن (ع) در روز عید فطر، برخی را دید که به لهو و لعب و خوش گذرانی سرگرم اند. حضرت با دیدن این منظره، به اصحاب خود فرمود: «همانا خدای عزو جل، ماه رمضان را میدان مسابقه برای بندگان خود قرار داد، که در آن، به فرمان بری و جلب خشنودی او، از یکدیگر پیشی گیرند. پس گروهی پیشی گرفتند و برنده شده و رستگار گشتند، و گروهی نیز نافرمانی کرده، از مسابقه باز ماندند. و بسیار جای شگفتی است از کسانی که در روزی که نیکوکاران در آن پاداش و هدیه دریافت می کنند، و تقصیر کاران در آن زیان می برند، به بازی و کارهای بیهوده مشغول باشند.» (2)

#### عید فطر و موهبت هایی همسو با درجه های روزه داران

گرچه روز عید فطر، روز بارش رحمت پروردگار و لبریز شدن موهبت های اوست، همه از این عطاهای الهی بهره یکسان ندارند، بلکه هر کس به فراخور گنجایش روحی خویش و تلاشی که در این ماه انجام داده است، از عنایت های آفریدگار بهره مند می شود. آیت الله ملکی تبریزی، مرتبه های روزه داران و دریافت پاداش های متفاوت الهی در روز عید فطر را این گونه بازگو کرده است:

«گروهی، تنها از سرتکلیف روزه گرفته اند، و از روی تکلف و سختی خود را از خوردن و آشامیدن و هر آنچه هنگام روزه برآنان حرام است باز داشتند. و این را خدمتی دانسته و طاعتی پنداشته، و برخدا بر چنین روزه ای منت نهادند، درحالی که از گناهان اجتناب نکرده، هنگام روزه از دروغ و غیبت و تهمت و دشنام و آزار به دیگران دوری نکرده اند. این گروه گر چه روزه داران گنهکارند، اگر در روز عید فطر گمان نیک به خداوند داشته باشند، خداوند به همان اندازه که از روی تکلف روزه گرفته اند پاداششان می دهد، و آنها را به پاره ای از ثواب ها می رساند.

و اما گروه دیگر، کسانی هستند که به هنگام روزه، مراقب جوارح خویش بودند تا گناهی مرتکب نشوند، و به غیبت و دشنام و آزار، دچار نگردند. ولی در این امر، توفیق کامل نیافته، گاهی نیز به گناه دست یازیدند؛ اما توبه و استغفار را از کف نهادند. آنها به اندازه نشاط خود گاهی اعمال متسحب را نیز انجام داده و در حد توان، از مکروهات پرهیز می کردند. این گروه آنهایی هستند که پروردگارشان آنها را به تبدیل بدی هایشان به خوبی ها، وعده داده، جزای عبادت هایشان را برتر از آرزوهاشان عطا خواهد فرمود.

گروهی هم، ندای خداوند را اجابت کرده، با تمام توان، از دل و جان خویش مراقبت کرده، سعی کردند به هیچ خیری بدون خیر دیگر راضی نشوند، بلکه همه خیرات را در این ماه به دست آورند. آنها آنچه لازم بود، انجام دادند، و خود را در ادای شکر این نعمت، ناتوان می دانند. خداوند، حسن خدمت این گروه را می پذیرد، و با افزایش هدایت خویش درباره آنان، آنها را کامیاب می سازد، و از انوار قرب خود آنها را می پوشاند، و آنان را به بندگان خاص خود می رساند.

و اما گروه آخر کسانی هستند که لذت ندای حق، رنج گرسنگی و شب زنده داری را از یاد آنها برده، و با شوق و شکر، بلکه با وجد و سرمستی، این ماه را به پایان رساندند. آنها خطاب رب العالمین را با گوش جان شنیده و لبیک گفتند، و در انجام کارهای خیر در این ماه شتاب ورزیدند. پروردگار آنها را به مقام قرب خویش فرا می خواند، و در پیشگاه خود، با اولیای الهی هم نشین می کند، و به آنها چندان از بها و نور و بهجت و سرور عطا می فرماید که نه چشمی دیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. « (3)

### زکات عید فطر، بازتاب دگرگونی و مهرورزی

مرا بستگی هاست با نوع خویش  
که از رنج نوعم، بود رنج بیش  
پی راحت نوع، رنج آورم  
که از سعی ایشان به راحت درم (4)

یکی از کارهای واجب در روز عید فطر، پرداخت زکات فطره است. پیام بزرگ این دستور دینی، «مهرورزی و دگرگویی»، و از حکمت های آن، سامان بخشیدن و رونق دادن به حیات مادی جامعه اسلامی است. زکات فطره، یعنی تقسیم شادی های خود با دیگر مسلمانان، و کوشش برای ریشه کن ساختن فقر در جامعه اسلامی، یعنی دغدغه هم کیشان در سر، و مهر مسکینان و از پای افتادگان در دل داشتن؛ یعنی خوشبختی را تنها برای خودنخواستن، و بینوایان را نیز در آن سهیم کردن.

خداوند، زکات فطره را در عید فطر بر روزه داران واجب کرد تا به آنها بیاموزد که هیچ گاه از احوال تهی دستان و فقیران بی خبر نمانند، حتی در شادترین لحظه ها.

باری، اگر امروز عید است، باید برای همه عید باشد؛ چه آنان که ثروتمندند و چه آنها که تهی دست اند. اگر عید فطر، زمان خوشی و طرب است باید برای همگان باشد؛ چه آنها که توان پرداخت زکات فطره را دارند، و چه آنان که از - بد حادثه- از این امر ناتوان شده اند. یکی از اندیشمندان معاصر در این باره می نویسد:

«در عید فطر، به جز کارهای نیک و دیدار دانشمندان و نیکان و ارحام و خویشان، مسئله دیگری نیز مطرح است، و آن پرداختن «زکات فطره» است. با در نظر گرفتن شماره مسلمین جهان، زکات فطره مبلغ قابل توجهی می شود.

و البته در یک نظام اجتماعی دینی، می توان مصرف این گونه وجوهات کلان را از حالت فردی، به صورت جمعی تبدیل کرد، و در راه مبارزه با فقر، و ایجاد کارخانه ها و مؤسسات علمی و فرهنگی و پژوهشی و طبی و بیمارستان و کودکان و دانشگاه و آزمایشگاه، و سرمایه گذاری برای کشف های علمی و دارویی، و تقویت مرزهای اسلامی، و گسترش اسلام در جهان، با وسایل زمان، و ده ها مسئله اجتماعی و انسانی دیگر به کار برد. در دین اسلام و فهمیدن احکام آن، باید همواره یک مسئله بسیار مهم را در نظر داشته باشیم. و آن مسئله این است که در اسلام، به احکام، نه تنها جنبه اخروی و اخلاقی داده شده است، بلکه اسلام هر دستوری را با مایه دنیوی و اجتماعی نیز آمیخته، و به زندگی روزانه و حرکات اجتماعی و روابط انسانی، پیوند داده است.» (5)

### عید فطر و استغاثه به پیشگاه امام زمان (عج) و درخواست ظهور او از خداوند

آیت الله ملکی تبریزی می نویسد:

«چون خواستی برای نماز عید بیرون روی، برتوست که از مصیبتی که برای غیبت امام زمانت بر تو وارد شده است یاد کنی، و به آنچه از برکات و انوار زمان حضور او از نشر عدالت و محو جور و ضلالت، و افرشته شدن پرچم عزت اسلام و حرمت قرآن، و رواج ایمان و کامل شده عقل ها که بهره انسان ها می شود نظر کنی، و به صدای بلند او را ندا داده و بگویی:

«ای زاده احمد آیا راهی به سوی تو هست که ملاقات شوی؟ کی باشد که تو ما را ببنی و ما تو را ببینیم که به دیدارت دیدگانمان روشن شود و به راهنمایی ات هدایت شویم؟ و تو ما را از حقایق اموری که بر ما دشوار است آگاه سازی و گره مشکلات را بگشایی. آیا چشم های من به نور جمال تو روشن خواهد شد؟ و آیا از شربت گوارای وصال تو سیراب خواهم گشت؟ آقای من! چون در وصال تو و لذت دیدار تو اندیشه می کنم، و در احوال نزدیکان و هم جواران توتأمل می نمایم، و به آنها که به زیارت جمال تو شرفیاب شدند می نگرم، دلم لبریز از حسرت می شود.

آقای من! حال جویندگان تو و مشتاقان جمال تو همانند حال دیگر مشتاقان نیست؛ چرا که جمال تو را با هیچ جمال دیگر مقایسه نتوان کرد، و بزرگی تو را با هیچ بزرگ دیگر برابر نتوان دانست. و هجران تو نیز مانند هجران دیگر معشوق ها نیست. آقای من! این استغاثه ماست به آستان تو، و دعاهای ماست برای تعجیل در ظهور تو».

(6)

رواق منظر چشم من آشیانه توست  
کرم نما و فرود آ که خانه خانه توست  
به تن مقصّرم از دولت ملازمتت  
ولی خلاصه جان، خاک آستان توست (7)

پی نوشت ها:

2. مراقبات، ج2، ص.140
3. همان، صص 123- 127.
4. به نقل از : محمد اسفندیاری، آسیب شناسی دینی، ص 151.
5. بعثت ، غدیر، عاشورا، مهدی، صص 153 و 154.
6. مراقبات ، ج2، صص 152و 153.
7. دیوان حافظ ، ص 108، غزل 34.